

چرا با وجود حضرت علی (علیه السلام)، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت در رفت؟

طرح شبهه :

چگونه می توان باور داشت که با وجود علی (علیه السلام) در درون منزل، همسر او برای باز کردن در خانه برود! چرا خود علی (علیه السلام) برای باز کردن در نرفت؟

نقد و بررسی :

اولاً: آن چه که از برخی از روایات استفاده می شود: حضرت فاطمه سلام الله علیها نزدیک در ورودی منزل نشسته بود و با دیدن عمر و همراهان وی، در را به روی آنان بست.

مرحوم عیاشی در تفسیر، شیخ مفید در الإختصاص و... نوشته اند :

قال: قال عمر قوموا بنا إليه فقام أبو بكر وعمر وعثمان و خالد بن الوليد و المغيرة بن شعبه وأبو عبيدة بن الجراح وسالم مولى أبي مذيقة وقنذ وقمت معهم فلما انتهينا إلى الباب فرأتهم فاطمة صلوات الله عليها أغلقت الباب في وجههم وهي لا تشك أن لا يدفل عليها إلا باذنها، فضرب عمر الباب برجله فكسره، وكان من سصف، ثم دفلوا فأفرجوا عليا (عليه السلام) مليبا....

عمر گفت: برخیزید تا پیش او (علی) برویم، پس ابوبکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابو عبید جراح، سالم مولی ابو حذیفه، قنذ و من به همراه او راه افتادیم، چون نزدیک خانه رسیدیم، فاطمه آنان را دید و لذا در را بست و شک نداشت که بدون اجازه وارد نخواهند شد، عمر در را که از شاخه های خرما ساخته شده بود، با لگد شکست، سپس وارد خانه شدند و علی را بیرون آوردند در حالی که کمرهای خود را بسته بودند.

السمرقندی المعروف بالعیاشی، أبی النضر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی (متوفای 320هـ)، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 67، تحقیق: تحقیق وتصحیح وتعلیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، ناشر: المكتبة العلمية الإسلامية - طهران.

الشیخ المفید، محمد بن محمد بن نعمان ابن المعلم أبی عبد الله العکبری، البغدادی (متوفای 413هـ) الاختصاص ص 186، تحقیق: علی اکبر الغفاری، السید محمود الزرنیدی، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت، الطبعة: الثانية، 1414هـ - 1993 م. المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 28، ص 227، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

و در روایت سلیم نیز آمده :

ثُمَّ أَقْبَلَ مَتَّى انْتَهَى إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ قَاعِدَةً فَلَفَّ الْبَابَ قَدْ عَصَبَتْ رَأْسَهَا وَتَمَلَّ بِسِنْمِهَا فِي وَفَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَقْبَلَ عُمَرُ مَتَّى ضَرَبَ الْبَابَ ثُمَّ نَادَى يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ [اِفْتَحِ الْبَابَ] فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا عُمَرُ مَا لَنَا وَكَأَنَّكَ لَا تَدْعُنَا وَمَا نَمْنُ فِيهِ قَالَ افْتَمَى الْبَابَ وَإِلَّا أَمْرَقْنَا عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ يَا عُمَرُ أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تَدْفُلُ عَلَى بَيْتِي وَتَهْبِئُ عَلَى دَارِي فَأَبَى أَنْ يَنْصَرِفَ ثُمَّ دَعَا عُمَرُ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَمْرَقَ الْبَابَ.

عمر آمد تا به خانه رسید، فاطمه پشت در نشسته بود، سرش را بسته بود و بدنش از غم از دست دادن پدر نحیف و لاغر شده بود، عمر در را کوبید و گفت: ای پسر ابوطالب! در را باز کن، فاطمه فرمود: ای عمر به ما چه کار داری؟ ما را با مصیبتی که گرفتارش شده ایم تنها بگذار. عمر گفت: در را باز کن وگرنه آن را به آتش می کشم. فاطمه فرمود: آیا از خداوند نمی ترسی که وارد خانه ما می شوی، عمر بازنگشت و آتش خواست و آتش را بر در خانه افکند و آن را سوزاند.

الهلالی، سلیم بن قیس (متوفای 80هـ) کتاب سلیم بن قیس، ص 864، تحقیق محمد باقر الأنصاری، ناشر: انتشارات هادی - قم، الطبعة الأولى، 1405هـ.

ثانیاً: حضرت صدیقه شکی نداشت که جمعیت بدون اذن داخل منزل نخواهند شد؛ چون نص قرآن است که بدون اجازه وارد خانه کسی نشوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ مَتَى تَسْتَأْنِسُوا وَتَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ فَيْرُكُمْ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُونَ .
فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا مَتَى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْمِعُوا فَارْمِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ .

النور / 27 و 28.

ای افرادی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید!
و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!

خانه فاطمه ، برتر از خانه پیامبران :

و از طرفی خانه انبیاء احترام ویژه ای دارد که کسی حق ورود بدون اجازه ندارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ .
الأحزاب / 53.

ای افرادی که ایمان آورده اید! در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما داده شود.
و شکی نیست که خانه حضرت صدیقه طاهره خانه پیغمبر محسوب می شود همانطوری که در تفاسیر متعدد اهل سنت ذیل آیه شریفه:

فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ .
النور / 36.

در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن ها رفعت یابد و نامش در آن ها یاد شود. در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند.
سیوطی و دیگران از قول ابوبکر از نبی مکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده اند که خانه علی و زهرا علیهما السلام از با فضیلت ترین خانه های انبیاء محسوب می شود:

وأفرج ابن مردويه عن أنس بن مالك وبريدة قال: قرأ رسول الله صلى الله عليه وسلم هذه الآية (في بيوت أذن الله أن ترفع) فقام إليه رجل فقال: أي بيوت هذه يا رسول الله قال: بيوت الأنبياء. فقام إليه أبو بكر فقال: يا رسول الله هذا البيت منها - البيت على وفاطمة - قال: نعم من أفاضلها.

رسول خدا (ص) این آیه را تلاوت فرمود، شخصی پرسید: این کدام خانه ها است؟ فرمود: خانه های پیامبران. ابوبکر پرسید: آیا خانه علی و فاطمه هم از همان خانه ها است؟ فرمود: بلی، از برترین آن است.

السیوطی، عبد الرحمن بن الکرمال جلال الدین (متوفای 911هـ)، الدر المنثور، ج 6، ص 203، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1993 م؛
الثعلبی النیسابوری أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم (متوفای 427هـ) الکشف والبيان، (متوفای 427 هـ - 1035م)، ج 7، ص 107، تحقیق:
الإمام أبي محمد بن عاشر، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ-2002م؛
الثعالبي، عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف (متوفای 875هـ)، الجواهر الحسان في تفسير القرآن، ج 7، ص 107، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات

- بیروت.

الألوسی البغدادی، العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود (متوفای 1270هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 18، ص 174، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

افزون بر این تصور این بود که با توجه به موقعیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و احترام رسول اکرم صلی الله علیه وآله مردم با دیدن حضرت صدیقه خجالت بکشند و متعرض نشوند همچنان که عده ای با شنیدن صدای حضرت صدیقه برگشتند.

قام عمر فمشی ومعه جماعهً حتى أتوا باب فاطمةً فدقوا الباب، فلما سمعت أصواتهم نادت بأعلى صوتها باكياً: يا رسول الله ما ذا لقينا بعد أبي من ابن الفطاب وابن أبي قمافة! فلما سمع القوم صوتها وبكاءها انصرفوا باكين، فكادت قلوبهم تتصدع وأكبدهم تنفطر، وبقي عمر معه قومه.

عمر همراه عده ای به طرف خانه فاطمه آمد و در را کوبید، فاطمه با شنیدن سر و صدای جمعیت با صدای بلند و همراه گریه فریاد زد: ای رسول خدا چه مصیبت هایی پس از تو از پسر خطاب و پسر ابوقحافه می بینیم. گروهی با شنیدن گریه فاطمه دلشان به درد آمد و با گریه آنجا را ترک کردند؛ اما عمر با گروهی دیگر باقی ماندند.

الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة (متوفای 276هـ)، الإمامة والسیاسة، ج 1، ص 16، تحقیق: خلیل المنصور، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1418هـ - 1997م، با تحقیق شیری، ج 1، ص 37، و با تحقیق، زینی، ج 1، ص 24.

بنابراین حضرت صدیقه طاهره، هنگام هجوم، با دیدن عمر و همراهانش در را بست و نزدیک در ایستاده بود و احتمال نمی داد که با وجود آن حضرت متعرض خانه شوند و این بی شرمی مهاجمان بود که حرمت خانه و اهل آن را رعایت نکردند و به قول سلمان فارسی رضوان الله تعالی علیه، کردید و نکردید و ندانستید که چه کردید.

همسران رسول خدا (ص) و باز کردن در برای نامحرم :

نگاهی به روش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در موضوع مورد بحث، بهترین دلیل بر محکومیت شبهه انگیزان است؛ چرا که موارد گوناگونی در کتاب های شیعه و اهل سنت وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله به همسرانش اجازه می داد تا در خانه را به روی دیگران (نا محرمان) باز کنند.

الف : امّ سلمه و باز کردن در خانه برای علی (علیه السلام) :

عن علقمة عن عبد الله قال فرج رسول الله (صلى الله عليه وسلم) من بيت زينب بنت جيمش وأتى بيت أم سلمة فكان يومها من رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فلم يلبث أن جاء على فدق الباب دقا ففيفا فانتبه النبي (صلى الله عليه وسلم) للدق وأنكرته أم سلمة فقال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) قومي فافتمى له

رسول خدا (ص) از خانه زینب دختر جحش بیرون آمد و وارد خانه امّ سلمه شد؛ چون آن روز نوبت آمدن آن حضرت به خانه وی بود، مدتی نگذشته بود که علی آهسته دقّ الباب کرد، رسول خدا (ص) بیدار شد، امّ سلمه پاسخ نداد، پیامبر فرمود: بلند شو و در را باز کن....

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای 571هـ)، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأمائل، ج 42، ص 470، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1995
الرافعی القزوینی، عبد الکریم بن محمد (متوفای 623هـ)، التدوین فی أخبار قزوین، ج 1، ص 89، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت تحقیق: عزیز الله العطاری، 1987م.

ب : عائشه به دستور رسول خدا (ص) در را برای علی (ع) باز کرد :

وعن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن أبيه عن آباءه عن علي عليه السلام قال: كنت أنا ورسول الله صلى الله عليه وآله في المسجد بعد أن صلى الفجر، ثم نهض ونهضت معه، وكان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أراد أن يتجه إلى موضع أعلمني بذلك، وكان إذا أبطأ في ذلك الموضع صرت إليه لأعرف فيره، لأنه لا يتصبر قلبي على فراقه ساعة واحدة فقال لي: أنا متجه إلى بيت عائشة، فمضى صلى الله عليه وآله ومضيت إلى بيت فاطمة الزهراء عليها السلام فلم أزل مع المسن والمسين فأنا وهي مسروران بهما، ثم إنني نهضت وسرت إلى باب عائشة، فطرقت الباب فقالت: من هذا؟ فقلت لها: أنا علي فقالت: إن النبي راقد، فانصرفت، ثم قلت: النبي راقد وعائشة في الدار، فربعت وطرقت الباب فقالت لي عائشة: من هذا؟ فقلت لها: أنا علي فقالت: إن النبي صلى الله عليه وآله على ما جاء فأنثنيتمستميا من دق الباب، ووجدت في صدرى ما لا أستطيع عليه صبرا، فربعت مسرعا فدققت الباب دقا عنيفا، فقالت لي عائشة: من هذا؟ فقلت: أنا علي فسمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: يا عائشة افتمي له الباب، ففتمت ودفلت....

نماز صبح را با رسول خدا (ص) خواندم، با آن حضرت از مسجد بیرون آمدم، اگر جایی می رفت به من خبر می داد و هنگامی که دیر بر می گشت سراغ وی می رفتم تا مطلع شوم؛ چون دوری او را نمی توانستم تحمل نمایم، فرمود: به خانه عائشه می روم، من نیز نزد فاطمه رفتم و در کنار حسن و حسین همه خوشحال بودیم، سپس به طرف خانه عائشه رفتم و در زدم، گفت: کی هستی؟ گفتم: علی، گفت: پیامبر استراحت می کند، برگشتم و دو مرتبه رفتم و در را کوبیدم، گفت: کیستی؟ گفتم: علی، گفت: پیامبر را کاری است، دلم تاقت نیاورد، برای دفعه سوم دق الباب کردم، عائشه گفت: کیستی؟ گفتم: علی، صدای رسول خدا را شنیدم، فرمود: ای عائشه در را باز کن، عائشه در را باز کرد و من وارد شدم....

الطبرسی، أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب (متوفى 548هـ)، الاحتجاج، ج 1، ص 292 و 293، تحقيق: تعليق وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، 1386 - 1966 م.
المجلسي، محمد باقر (متوفى 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 38 ص 348، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

آنچه گذشت یک روایت از کتاب های شیعه و یک روایت از کتاب های اهل سنت بود که به عنوان نمونه ذکر شد که در آن ها رسول خدا صلی الله علیه وآله با توجه به این که خود حضرتش در خانه حضور داشت اجازه می داد تا همسرانش در را برای افراد نا محرم باز کنند، و این نشان می دهد که این عمل با رعایت وظایف شرعی منعی نخواهد داشت.

عایشه و عمر ، سر يك سفره نشستند :

طبق روایت صحیح السندی که اهل سنت در اکثر کتاب های خودشان نقل کرده اند، رسول خدا به عمر اجازه داد که با او و عائشه سر یک سفره بنشینند و حتی نقل کرده اند هنگامی که از یک کاسه غذا می خوردند، دست عائشه با دست عمر برخورد کرد. ابن ابی شیبہ در المصنف، بخاری در ادب المفرد، ابن ابی حاتم، ابن کثیر در تفسیر و... نقل کرده اند:

عن مجاهد قال مر عمر برسول الله صلى الله عليه وسلم وهو وعائشة وهما يأكلان ميسا فدعاه فوضع يده مع أيديهما فأصابت يده يد عائشة فقال أوه لو أطلع في هذه ووصوامبها ما رأتهن أعين.

رسول خدا با عائشه مشغول خوردن غذا بود، عمر وارد شد، حضرت او را دعوت کرد تا با آنان غذا بخورد. عمر جلو رفت و دست در میان ظرف غذا برد، دست با دست عائشه تماس می گرفت، گفت: اوه! اگر در باره حجاب همسرانت از من پیروی می کرد، هیچ چشمی آنان را نمی دید.

إبن أبي شيبه الكوفي، أبو بكر عبد الله بن محمد (متوفى 235 هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج 6، ص 358، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ؛
إبي أبي حاتم الرازي، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس، تفسير ابن أبي حاتم، ج 10، ص 3148، تحقيق: أسعد محمد الطيب، ناشر: المكتبة

العصریة - صیدا؛

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، الأدب المفرد، ج 1، ص 362، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، ناشر: دار البشائر الإسلامية - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1409هـ - 1989م؛
المزی، یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج (متوفای 742هـ)، تهذیب الکمال، ج 29، ص 138، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسه الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1400هـ - 1980م؛
القرشی دمشقی، إسماعیل بن عمر بن کثیر أبو الفداء (متوفای 774هـ)، تفسیر القرآن العظیم، ج 3، ص 506، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1401هـ؛
العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل (متوفای 852هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 8، ص 531، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

هیثمی پس از نقل این روایت می گوید:

رواه الطبرانی فی الأوسط ورجالہ رجال الصمیم غیر موسی بن أبی کثیر وهو ثقہ.

این روایت را طبرانی در اوسط نقل کرده است، تمام راویان آن، راویان صحیح بخاری هستند؛ غیر از موسی بن کثیر که او نیز مورد اعتماد است.

الهیثمی، علی بن أبی بکر (متوفای 807 هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 7، ص 93، ناشر: دار الریان للتراث/ دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407هـ.

و سیوطی می گوید:

وأفرج الطبرانی بسند صمیم عن عائشہ قالت کنت آکل مع النبی صلی الله علیه وسلم فی قعب فمر عمر فدعاه فأکل فأصابته أصبعه أصبعی فقال أوه له أطاق فیکن ما رأتن عین.

طبرانی با سند صحیح از عائشه نقل کرده است که گفت: من با رسول خدا در یک ظرف غذا می خوردیم که عمر از آن جا گذشت، رسول خدا او را دعوت کرد، در حال غذا خوردن انگشتش به انگشت من خورد، عمر گفت: اوه! اگر او در باره شما از من اطاعت می کرد، هیچ چشمی شما را نمی دید.

السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای 911هـ)، لباب النقول فی أسباب النزول، ج 1، ص 178، ناشر: دار إحياء العلوم - بیروت.

هنگامی که نشستن با نامحرم سر یک سفره و خوردن غذا از یک کاسه؛ آن هم برای همسر رسول خدا اشکالی نداشته باشد، رفتن پشت در برای دختر آن حضرت نیز اشکالی نخواهد داشت.

نتیجه :

اولاً: صدیقه شهیده، پشت در نرفت؛ بلکه جلوی در ایستاده بود که با دیدن عمر و همراهان او به داخل خانه رفت و در را بست؛ پس اصلاً حضرت زهرا سلام الله علیها پشت در نرفته بود تا این اشکال پیش بیاید؛
ثانیاً: حتی اگر این مطلب صحت نیز داشته باشد و حضرت پشت در رفته باشد، به دلیل این که عین همین قضیه برای رسول خدا صلی الله علیه وآله پیش آمده و آن حضرت به همسران خود دستور داده اند که در را باز نمایند، این اشکال دفع می شود.

موفق باشی

گروه پاسن به شبانه

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)